

# اردشیر زاهدی: سیاستمدار و ایرانی تمام عیار

در پی درگذشت اردشیر زاهدی، وزیر اسبق امور خارجه ایران، شاهد روایات زیادی درباره او در سالهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی ایرانی و خارجی بوده‌ایم که بخشی از آن روایت‌ها از سوی افرادی بوده که از روحیه و صفات برجسته و شاید مهمتر از همه میزان وطن پرستی و خدمات او به مملکتش آگاهی لازم را نداشته‌اند.

گویي انگیزه واقعی پاره‌ای از این افراد در داوری‌های نادرست و غیر منصفانه‌شان درباره کارنامه و زندگی زاهدی که اغلب بدون ذکر منابع معتبر، و بدون داشتن آشنایی شخصی یا رسمی، آنهم با جزئیات و با لحنی نامتعارف نوشته شده، بیشتر به منظور کسب شهرت بوده تا بیان حقیقت درباره زندگی پر ماجرای او.

به همین دلیل، من به عنوان کسی که بیش از ۵۰ سال از نزدیک، هم به خاطر دوستی و همکاری پدرم با آقای اردشیر زاهدی، و هم به دلیل حضور خودم در وزارت خارجه، از نزدیک شاهد فعالیت‌های اردشیر زاهدی در مرکز و خارج از کشور بوده‌ام وظیفه خود می‌دانم تا تصویر کسی که او را از شخصیت‌های ویژه در تاریخ معاصر ایران می‌شناسم را با تصحیح برخی مطالب نادرست منتشر شده در رسانه‌ها ارائه دهم.

نخست اینکه اردشیر زاهدی، هرگز خواستار شغل یا مقامی از شاهنشاه، یا از نخست وزیران ایران نشد. برگزیده شدن او به مشاغلی از قبیل سفیر ایران در لندن و واشنگتن و نهایتاً به‌عنوان وزیر امور خارجه ایران، به خواسته پادشاه فقید ایران بود که به هر دلیلی، او را شایسته آن می‌دانست. زاهدی با خودانگیزی ذاتی از آنچه که برایش می‌آمد استقبال می‌کرد و این از سر

جاه‌طلبی و حسابگری نبود. وفاداری و دلبستگی بی‌مانند او به شاه فقید و اعتماد و علاقه متقابل شاه به او، نیز

که زاهدی به عنوان وزیر امور خارجه ایران منصوب شد، سلطنت محمدرضا شاه ایام طوفانی دوران بعد از شهریور



پیامد پیشامدهایی بود که از مردادماه سال ۱۳۳۲ آن دورا در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار داد و هیچ ربطی به دامادی شاه و یا رسیدن به مراتب بالای دولتی نداشت چنانکه این روابط تا آخرین لحظات حیات شاه، قوی و پابرجا بود.

دوم اینکه کارآیی و خدمات آقای اردشیر زاهدی را نمی‌توان با هیچ یک از وزرای امور خارجه‌ی پیش از او مقایسه نمود؛ زیرا که شرایط ایران در زمانی که اردشیر زاهدی به کرسی وزارت رسید با آغاز تحولاتی در دستگاه سیاست خارجی ایران بود که بطور کلی با شرایط اوضاع و احوال گذشته‌ی کشور تفاوت بسیار داشت. در اواخر دهه چهل شمسی، هنگامی

زاهدی در آخرین پست سفارتش در واشنگتن اجباراً با شرایط بغرنجی دست و پنجه نرم می‌کرد که موقعیت شخص شاه را در محافل سیاسی واشنگتن در نیمه دهه هفتاد میلادی تضعیف و با چالش‌های دشواری روبرو ساخته بود؛ چالش‌هایی مانند مخالفت با تمدید قرارداد با شرکت‌های نفتی در صورت نپذیرفتن شرایط ایران، پشتیبانی پنهانی دولت آمریکا از شرکت‌های نفتی و سازش آمریکا با عربستان سعودی علیه سیاست نفتی ایران و نهایتاً تحریکات پنهانی اسرائیل علیه ایران به خاطر پایان دادن به اختلافاتش با عراق (قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر) که عملاً باعث جلوگیری از مداخلات مخفیانه

و حمایت اسرائیل از کردهای عراقی شده بود. زاهدی در تمام این ایام، چه در دوران ریاست جمهوری نیکسون و فورد و چه در دوران جیمی کارتر، بدون کوچکترین خدشه‌ای در روابط قوی و مستحکمی که ایجاد کرده بود، توانست تا در اجرای ماموریتش کماکان از ابزارهای ارتباطی‌اش در عالیترین سطوح با کاخ سفید، اعضای برجسته کنگره، مقامات ارشد در پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا در راستای انجام ماموریتش به‌عنوان سفیر ایران در آمریکا برخوردار بماند.

اگرچه در برخی ناداوری‌های اخیر، پیامد تجمع و برخورد خشونت‌آمیز دانشجویان مسلمان و مخالفان رژیم در آخرین سفر رسمی شاه فقید به آمریکا، عمداً و به غلط به حساب زاهدی گذاشته شده است، ولی حقیقت این است که نمی‌توان پیامد برخی مسائل که مولود اوضاع و احوال و سیاست‌های داخلی کشور بود و از یکسال قبل از انقلاب باعث ایجاد تظاهرات نه تنها در آمریکا بلکه در چند کشور اروپائی نیز شده بود را متوجه رؤسای نمایندگی‌های ایران در آن کشورها و شخص زاهدی نمود که

در تمام طول خدمتش با کارنامه موفقی از عهده تمام وظائف محوله بر آمده بود.

برخی در سال‌های بعد از انقلاب و به ویژه در سنوات اخیر، اظهارات آقای زاهدی در ارتباط با مسائل مربوط به پرونده هسته‌ای ایران و دفاع او از مندرجات قرارداد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را بهانه قرار داده‌اند تا اتهاماتی ناجوانمردانه را از قبیل اینکه زاهدی به گذشته خود پشت کرده و اینک پشتیبان و حامی جمهوری اسلامی شده است به وی وارد آورند. [قرارداد پیمان منع گسترش سلاح های هسته‌ای (NPT) که ایران در سال ۱۹۶۸ با امضای زاهدی به‌عنوان وزیر امور خارجه به آن پیوسته بود و در آن حق غنی‌سازی اورانیوم با نظارت و کنترل سازمان انرژی اتمی برای ایران محفوظ بود؛ حتی که دولت بوش و اوباما برای سال‌های زیاد تلاش می‌کردند تا آن را از ایران بگیرند].

مثلاً برخی از تحلیلگران به منظور اثبات این تهمت بی‌پایه، به ملاقات او با سید حسین موسویان، سفیر پیشین جمهوری اسلامی در آلمان اشاره می‌کنند تا زاهدی را به «نشست و برخاست با یک فرد تروریست که شریک جرم پرونده قاتلین ایرانیان مبارز در ماجرای سال ۱۹۹۴ میکونوس آلمان» متهم کنند، در حالی که زاهدی می‌دانست به درست یا غلط، چه در گذشته و چه در حال، سفرا در همه حال معمولاً در جریان فعالیت‌ها و عملیات دستگاه‌های امنیتی دولت متبوع خود قرار ندارند و نمی‌دانند سازمان‌های امنیتی چه برنامه‌های عملیاتی را در دستور کار خود دارند، هر چند نمایندگان‌شان در سفارتخانه‌ها مستقر هستند. برای دخالت آقای موسویان در عملیات تروریستی میکونوس تا این لحظه سند و گواهی معتبری وجود ندارد ضمن اینکه اگر دخالت آقای موسویان در عملیات تروریستی میکونوس برای سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا آشکار می‌بود، بنا بر قاعده، او نمی‌توانست در یکی از دانشگاه‌های آمریکا تدریس و در آنجا اقامت نماید. این سخن به معنای مبرا کردن آقای موسویان نیست، بلکه فقط توضیح منبای رفتار

سفارتخانه‌هاست.

آری! اردشیر زاهدی یک وطن‌پرست تمام عیار بود، چنانکه در زمینه اقتدار و سربلندی ایران، ضرب‌المثل «خون چشمه‌ایش را می‌گیرد» درباره او صدق می‌کرد. حساسیت آقای زاهدی نسبت به لحن کلام و زور گوئی‌های امثال ترامپ و پمپئو که از دید او فراتر از دشمنی با جمهوری اسلامی، جنبه توهین به ملت ایران را پیدا کرده بود نیز سرچشمه در همین احساسات وطن پرستانه داشت.

زاهدی هنگام بحث و گفتگو پیرامون مسائل ملی، کاری به این نداشت که آقای موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بوده است یا نه، و مانعی برای دیدار و گفتگو با امثال او نمی‌دید. واکنش هر چند قابل بحث او نسبت به «سردار سلیمانی» نیز بیش از آنکه نشان از پاره‌ای تناقضات در اندیشه و گفتمان او داشته باشد ناشی از همین دست احساسات ملی بود و به گفته‌ی سنجیده‌ی آقای عباس میلانی، اینها حاشیه‌های کوچک و بی‌اهمیت زندگی آقای زاهدی بودند که پرداختن به آنها ارزشی ندارد.

به همین چند نکته اکتفا و البته تاکید می‌کنم که هیچکس بی عیب و نقص نیست. همانطور که علیاحضرت شهبانوی ایران در بیانیه‌ای یادآور خدمات اردشیر زاهدی شدند و همانطور که شخصیت‌های هم‌دوران او مانند آقای هوشنگ نهاوندی در مراسم یادبودش که در سوئیس برگزار گردید، از تمام خدمات گذشته ایشان ستایش نمودند، من هم به عنوان یک عضو وزارت امور خارجه پیش از انقلاب اسلامی، وظیفه خود دانستم تا در مقابل سخنان ناصوابی که در حق سرمایه‌های تاریخی ایران بی‌انصافی می‌کنند، به خاطرات و خدمات این ایرانی اصیل و وطن‌پرست که جایش برای همیشه در کنار ما خالی است ادای احترام کنم.

بزرگش نخوانند اهل خرد  
که نام بزرگان به زشتی برد

Pars Mass Media, Inc. P.O.Box 455, Westwood MA 02090

# AZADI

No 12, Vol.12 ; 21 Jan., 2022 . Published by Pars Mass Media, Inc.



*President Carter during his visit to Tehran , in 1977 called Iran as 'island of stability'' (see page2 English section)*